

جایگاه اسرائیل در خاورمیانه

Nissim Rejwan, *Israel's Place in the Middle East*, Florida: University Press of Florida, 1998, 216 Pages.

کتاب در «جایگاه اسرائیل در خاورمیانه» نوشته «نیسیم رجوان» در سال ۱۹۹۸، توسط انتشارات دانشگاه فلوریدا در ۲۱۶ صفحه انتشار یافته است. این کتاب، از یک مقدمه و دو بخش تشکیل شده است. بخش اول به بستر تاریخی و بخش دوم به تحولات اخیر و چشم انداز آینده می پردازد. بخش اول، تحت عنوان «یهودیان و همسایگان آنها»، در سه قسمت به موضوعات زیر پرداخته است:

- ۱- یهودیان و اعراب: گذشته و حال
 - ۲- یهودیان و اعراب: میراث فرهنگی
 - ۳- میراث تاریک اروپا
- بخش دوم با عنوان «اسرائیل به عنوان یک کشور خاورمیانه ای» در سه قسمت، موضوعات زیر را مورد بررسی قرار داده است:
- ۴- ریشه های عمیق تر اسرائیل
 - ۵- ایدئولوژی، سیاست و فرهنگ
 - ۶- خاورمیانه پسا ناسیونالیست

صفحات پایانی این بخش، تحت عنوان «چشم انداز: اسرائیل در حال تحول در خاورمیانه کثرت گرا» نگاشته شده است.

نویسنده در مقدمه می نویسد که این کتاب به تدریج، طی چند سال شکل گرفته است. وی خاطر نشان می سازد که سنگ بنای اولیه کتاب، به سخنرانی وی در نشست سالانه انجمن تاریخ آمریکا که در ماه دسامبر سال ۱۹۷۱ در نیویورک برگزار شد باز می گردد. وی در آن جلسه، مقاله خود را تحت عنوان «روابط اعراب - یهودیان در طول اعصار: مسئله ای برای مورخین»، ارائه کرده است.

نویسنده در بخش اول کتاب، تحت عنوان «یهودیان و همسایگان آنها» به زمینه ها ی تاریخی - فرهنگی موضوع می پردازد. وی در این بخش، روابط اعراب - یهودیان را به تفصیل از آغاز آن در دوران قبل از اسلام تا عصر حاضر، مورد بررسی قرار داده، موضع اسلام را در قبال یهودیان در تئوری و در واقعیت، تجزیه و تحلیل کرده است. وی در مورد تاریخچه روابط اعراب و یهودیان چنین می نویسد:

«تاریخ یهودیان و اعراب و روابط آنها در طی اعصار، یکی از نمادهای خوب همسایگی، همزیستی مسالمت آمیز و همکاری و تعامل بوده است. مورخین، در واقع از این روابط به عنوان همسفرگی و همزیستی فرهنگی یاد می کنند و با عباراتی درخشان از دوران حیات یهودیان تحت حاکمیت اعراب مسلمان نام می برند.»

وی در جایی دیگر می گوید:

«تعامل بین یهودیان و اعراب در شکل روابط بازرگانی بین عربستان و فلسطین به ایام حضرت سلیمان باز می گردد و بسیاری از کتب

عهد قدیم، نشان می‌دهد که این ارتباط تا قرن هفتم که سرزمین عربستان به زیر پرچم اسلام درآمد برقرار بوده است.

در همین رابطه، نویسنده آورده است:

«وقتی حضرت محمد (ص) دریافت که یهودیان از پذیرش دین اسلام سر باز می‌زنند بر آنها خشم گرفت و برای مجازات و تبعید آنها از عربستان اقدام کرد. این سیاست، توسط جانشینان آن حضرت تا مدت کوتاهی ادامه یافت، اما سرانجام، اعراب مسلمان دریافتند که یهودیان از نظر نژاد و مذهب به آنها شبیه بوده، در جهت تحکیم فتوحات جهانی مسلمانان سودمند هستند. کنترل یهودیان بر تجارت، بویژه تجارت خارجی، تماسهایشان با همکیشان یهودی در نقاط مختلف جهان و دانستن زبان عبری، آنها را به صورت مترجمین و دلالتان ضروری و فاتحین پر انرژی جدید در آورده بود.»

در این بخش، نویسنده همچنین با بررسی جامع و دقیق فرهنگ یهودی - عربی نشان می‌دهد که چگونه یهودیانی که در حوزه اسلام عربی زندگی می‌کردند بدون کم‌رنگ شدن و یا ترک هویت فرهنگی و مذهبی خود تحت نفوذ جوامعی که در آن زندگی می‌کردند قرار گرفتند و متقابلاً آن جوامع را تحت تاثیر خود قرار دادند. در فرازی از کتاب در این باره آمده است:

«برخورد ها و تاثیر متقابل فرهنگی یهودیان و اعراب، به دوران قبل از اسلام باز می‌گردد، اما در قرون وسطا بود که تماسهای بین یهودیان و اعراب مسلمان روی داد و نتایج جالب، موثر و بادوامی را به بار آورد.»

آخرین قسمت بخش اول، به بررسی

تاریخ یهودیان اروپا و سرنوشت آنها می‌پردازد. در این قسمت، نویسنده تأکیدی عمده بر وضعیت و شرایط بهتر یهودیان تحت حاکمیت اسلامی و مقایسه آن با وضعیت نابسامان و نامناسب یهودیان در حاکمیت مسیحیت غرب می‌نماید. در این باب به فراز هایی از نظرات نویسنده اشاره می‌شود:

«تفاوت بین دشمنی مسیحیان و تساهل و مدارای مسلمانان در قبال یهودیان، بیشتر از هر جای دیگر، در نوشته‌های خود یهودیان، بخصوص از زمان اخراج آنان از اسپانیا در سال ۱۴۹۲ دیده می‌شود. در حقیقت، بعد از اخراج آنها، ترکیه (عثمانی) مسلمان، به صورت محل امنی برای یهودیان درآمد.»

و یا: «ضدیت با نژاد سامی (آنتی سمیتیسم) در عمیقترین ریشه‌های تاریخی آن در تعلیمات کلیسای مسیحی، به عنوان یک حقیقت شناخته شده و مورد قبول عامه تاریخ نهفته است.»

و یا در جایی دیگر آورده است:

«ضدیت با نژاد سامی، یک پدیده انحصاری مسیحی و بدین ترتیب، یک پدیده مسلم غربی است. بنابراین، سعی در انتساب آن به جوامع غیر مسیحی و غیر غربی از نظر تاریخی، غلط و از نظر اخلاقی، غیر قابل بخشش است.»

البته نویسنده درباره وضع نابسامان یهودیان در برخی جوامع اسلامی نیز می‌نویسد: «این درست است که داستان جوامع یهودی تحت حاکمیت اسلام، برای بیش از پنج قرن، حکایت از یک زندگی فقیرانه دارد، اما بسیاری از کارگران و کشاورزان مسلمان، وضع بهتری از

یهودیان نداشتند.»

نویسنده، تولید نوشته‌های ضد یهودی توسط اعراب را بیشتر در نتیجه نفوذ اروپا و افکار اروپایی‌ها می‌داند و می‌گوید:

«رسوخ دکترین ضد سامی در اروپا در یک کشور گسترش نیافته و به یک دهه محدود نمی‌شود. در قرن نوزدهم، این اندیشه در فرانسه از زمان ماجرای دریفوس ظاهر شد. مسیحیان شرقی نیز عاملانی برای تبلیغ این دکترین شدند. در دهه ۱۹۲۰ و در طی جنگ جهانی دوم، تبلیغات نازی‌ها در تمام کشورهای عرب رسوخ پیدا کرد. نویسندگان مسلمان بانفوذ، با نوشته‌ها و صحبت‌های خود به این دکترین اهمیت دادند. بنابراین، امروزه این دکترین - بخصوص بعد از حوادث سال ۱۹۴۸ فلسطین (تشکیل اسرائیل) - بیشتر از گذشته رایج شده است.»

بخش دوم کتاب، تحت عنوان «اسرائیل به عنوان یک کشور خاورمیانه‌ای» تدوین شده است. در قسمت‌های مختلف این بخش، ریشه‌های عمیقتر یهودیت و اسرائیل در منطقه دنبال می‌شود و سوءتفاهمات اعراب نسبت به اسرائیل، به عنوان یک پدیده بیگانه و تجاوزی به منطقه خاورمیانه، مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده، این نظریه را که برخی از صاحب‌نظران و سیاستمداران اسرائیلی آن را تبلیغ می‌کنند که اسرائیل، بخشی جدایی‌ناپذیر از اروپا است که به طور اتفاقی در خاورمیانه قرار گرفته است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و براساس قراین و شواهد و زمینه‌ها و دلایل تاریخی، فرهنگی، مذهبی و جمعیتی، آن را مردود می‌داند.

در قسمتی از این بخش، ریشه‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی اسرائیل، مورد بررسی نویسنده واقع شده است. نویسنده، برخی خطراتی را که دموکراسی اسرائیل با آن روبه‌روست، برشمرده و مورد مذاقه قرار داده است. طبقه‌بندی قومی و اثرات آن را بر سیاست داخلی و خارجی کشور مورد ارزیابی قرار داده و سرانجام، آینده روابط اسرائیل با جهان عرب را به بررسی گرفته است. وی چالش‌هایی را که فرا روی ساختار دموکراسی اسرائیل وجود دارد، به قرار زیر می‌داند:

- فقدان دموکراسی ریشه‌دار در احزاب سیاسی کشور و فقدان کنترل نهادینه شده غیرنظامیان بر ساختارهای نظامی

- مسایل حل نشده حقوق مدنی اقلیتها در اسرائیل

- اختلافات عمیق اجتماعی و فرهنگی بین یهودیان مذهبی و سکولار

در قسمت پایانی بخش دوم، تحت عنوان «خاورمیانه پساناسیونالیست» نویسنده به طور مقایسه‌ای به بررسی اقول سرنوشت پان-عربیسیم، همپای با تغییرات رادیکال در جامعه اسرائیل که در عرض سه دهه گذشته رخ داده است می‌پردازد. در این قسمت، مسئله مهم و حیاتی وضع اتباع غیر یهودی در اسرائیل در بستر هویت ملی اسرائیل مورد بررسی قرار گرفته است. و سرانجام، نویسنده در پایان این بخش، در پی یافتن پاسخی به این سؤال است که آیا جامعه اسرائیل، یک جامعه انحصارگرا، ملی‌گرا، قوم‌مدار یهودی است یا یک جامعه باز است که در بستر و در درون خاورمیانه‌ای کثرت‌گرا و باز قرار گرفته است.

نویسنده، در باره انتخاب عنوان فوق برای کتاب خود می نویسد که تز اصلی او در این کتاب، بر این مبتنی بوده است که چشم انداز اسرائیل نه در مقابله با همسایگان خود که به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از خاورمیانه است و با توجه به این نگرش است که عنوان کتاب خود را «جایگاه اسرائیل در خاورمیانه»، برگزیده است.

نویسنده در نتیجه گیری خود می نویسد: «حالا که قرارداد صلح اسرائیل با مصر در دهه ۱۹۷۰ و متعاقباً با اردن در دهه ۱۹۹۰ منعقد شده است، پاسخ به این سوال که آیا اسرائیل، بخشی جدایی ناپذیر از خاورمیانه خواهد بود و همسایگان خود را خواهد پذیرفت و آنها نیز اسرائیل را خواهند پذیرفت، دیگر مشکل نخواهد بود.» وی خاطر نشان می سازد که تحولات سالهای اخیر در خاورمیانه، به طور قاطع نشان داده است که دیگر اسرائیل درباره موجودیت فیزیکی خود نگرانی ندارد، زیرا که دو دولت از بزرگترین و قویترین دولتهای عرب، راه حل درگیری مسلحانه را ترک کرده اند و توافقات اسلو و بعداز آن، با فلسطینی ها انجام شده است. با این همه، وی اعتراف می کند که هنوز اسرائیل در بن بست است. وی با نقل فرازی از نوشته فواد عجمی که گفته است: «حتی بعداز این توافقات، تغییر آشکاری در مواضع اعراب نسبت به اسرائیل به وجود نیامده است» و یا «علی رغم توافق مصر با اسرائیل در دهه ۷۰، مخالفت با صلح در شدیدترین وضعیت در مصر وجود دارد و نگرانیان فرهنگ مصر، به طور تغییر ناپذیری مخالف تعامل عادی با اسرائیل می باشند.» به نگرانیهای خود در این باره مهر

تایید گذارده است. نویسنده می نویسد که از نظر بسیاری از اعراب، تز خاورمیانه جدید شیمون پرز (که تز اصلی نویسنده در این کتاب، ملهم از این تفکر است) که در آن از منطقه خاورمیانه در حال صلح، با عنوان مرزهای باز سخن گفته می شود، چیزی جز هژمونی دائمی اسرائیل، یا به عبارتی، صلح عبری Pax Hebraica نیست و اعراب، پروژه خاورمیانه جدید را تهدیدی علیه ناسیونالیسم خود می دانند. وی با رد این دیدگاه در طول این کتاب می گوید «تاریخ، موردی را به یاد ندارد که ملتی، دشمنی دائمی با جهان بلافصل خود داشته باشد» و بدین ترتیب، خط بطلان بر اندیشه تضاد و چالش دائمی یهودیان و اعراب می کشد.

در خاتمه، گفتنی است که نیسیم رجوان، نویسنده این کتاب، محقق ارشد موسسه تحقیقاتی هری. اس. ترومن برای پیشبرد صلح، دانشگاه عبری اورشلیم است. از نامبرده، کتابهای زیر به چاپ رسیده است:

- ۱- اعراب با جهان مدرن روبه رو می شوند: مذهب، فرهنگ و پاسخهای سیاسی به غرب (انتشارات دانشگاه فلوریدا - ۱۹۹۸)
- ۲- یهودیان عراق: ۳۰۰۰ سال تاریخ و فرهنگ

نویسنده در حال حاضر، مشغول نوشتن خاطرات خود از بغداد است: شهری که در آن به دنیا آمده است.

د کتر محمدرضا ملکی
پژوهشگر ارشد سیاسی د فتر
مطالعات سیاسی و بین المللی